

حملات نظامی جنایتکارانه دولت پاکستان به مناطق شرقی کشور و کشتار مردم ما را شدیداً محکوم می کنیم!

طبق گزارش خبرگزاریهای غیردولتی در افغانستان از چند هفته باین طرف ارتش پاکستان با پرتاب روزانه ده ها موشک و فیرتویخانه سنگین به خاک افغانستان تا حال در ولایات شرقی کنر، ننگرهار، پکتیا و خوست بیش از 60 تن از مردم مارا کشته و ده ها تن را زخمی کرده و صدها منزل مسکونی را ویران کرده است. ولی دولت مزدورکری در برابرین تجاوزجنایتکارانه آشکار دولت پاکستان سکوت اختیار کرده است. آنهم با اثرشکایات پیاپی مردم این ولایات و اعتراضات و تظاهرات مردم در شهر کابل و کنر علیه این تجاوز وحشیانه دولت پاکستان؛ دولت کرسی روز شنبه دوم جولای 2011 بشکل یک فورمالیته دیپلوماتیک طی اعلامیه ای این حملات دولت پاکستان را محکوم کرده ولی کوچکترین اقدام عملی در دفاع از مردم این ولایات و جلوگیری از این تجاوز به خاک کشور انجام نداده است. طبق اظهارات مامورین محافظ سرحدی دولت مزدوربه خبرنگار تلویزیون "افغان نیوز"، قرارگاه ارتش متجاوز آمریکا درصد متری این منطقه قرار دارد ولی آنها نیز کوچکترین عکس العملی در برابرین تجاوز ارتش پاکستان و کشتار مردم مظلوم افغانستان نشان نداده اند. اما مقامات دولت پاکستان باکمال بی شرمی و سفاهت این حملات جنایتکارانه را تا امروز انکار کرده اند. در همین روز شنبه دوم جولای جنرال رحیم وردک وزیر دفاع دولت مزدور در برابر اعضای پارلمان اداره استعماری در کابل گزارش داد که: تا حال 761 اندازه راکت و تویخانه در ولایت پکتیا، کنر، ننگرهار، خوست و پکتیا از طرف ارتش پاکستان صورت گرفته و 60 تن کشته و ده ها تن مجروح شده اند. رحیم وردک نه مستقیم و صریح که با اشاره و کنایه در برابرین عمل جنایتکارانه دولت پاکستان چنین گفت: "این تروریزم دولتی ویا غیردولتی است، در پاکستان این حکومت است یا افراد یاغی که دست به چنین اعمالی می زنند، آیا دولت پاکستان می خواهد پروسه صلح را برهم زند؟ همچنین او علاوه نمود که ما نمی خواهیم عمل بالمثل در برابرین حملات دولت پاکستان انجام دهیم". در همین جلسه پارلمان زلمی رسول وزیر خارجه دولت پوشالی گفت که: "تلاشهای دیپلوماتیک ما تا حال بجای نرسیده است". بتاريخ 5 ماه جولای کرسی مزدور طی کنفرانس مطبوعاتی با خبرنگاران در این باره سخن گفت. او با کمال عجز و کرنش در برابر حکام پاکستان که نمایندگی از موقعیت مزدوری و بی عرضگی وی می نمود چنین گفت: "ما در برابرین عمل دولت پاکستان از احساسات کار نخواهیم گرفت، ما ز برده باری کار گرفته و موضوع را از طریق هوشیاری حل خواهیم کرد". در اینجا همین چند جمله و لحن بیان آن وابستگی و روابط پنهان کرسی رابه حکام پاکستان نیز بنمایش می گذارد.

باید یاد آوری نماییم که تذکر فوق درباره بی تفاوتی و بی عملی دولت مزدور کرسی ویا حامیان امریکائی آن در برابرین تجاوز دولت پاکستان و کشتار مردم مظلوم ما باین منظور نیست که ما از این دولت دست نشانده و اشغالگران جنایتکار امریکائی و ناتو (ناتو) انتظار داریم که اینها از کشتار مردم ما توسط ارتش پاکستان دفاع کنند؛ بهیچ صورت. زیرا اشغالگران جنایتکار امریکائی و ناتو و دولت مزدور در طی ده سال اخیر همه روزه به کشتار مردم ما مشغول بوده و انواع تجاوز و تخطی را علیه آنها انجام داده اند. این استعمارگران غارتگر "متمدن" در طی ده سال اخیر با دولت دست نشانده شان در کابل و دولت جنایتکار و ضد مردمی پاکستان و گروه های مزدور و آدمکش طالب و گلبدین حقتانی ده ها هزار از مردم ستمدیده و بی دفاع مارا وحشیانه کشته و ده ها هزار تن دیگر را معلول ساخته و صدها هزار دیگر را آواره و دریدر کرده اند. کشتار مردم ما در هفته های اخیر توسط ارتش پاکستان بخش ناچیزی از جنایات دولت پاکستان و گروه های مسلح مزدور علیه مردم ما است. این عمل جنایتکارانه دولت پاکستان در سالهای گذشته نیز بارها تکرار شده است ولی این بار با شدت و تداوم بیشتر. همین چند هفته قبل کرسی مزدور یک قرارداد استراتژیک با اصطلاح همکاری با دولت پاکستان امضاء کرد و با طمطراق آنرا گامی دوستانه و برادرانه در بهبود مناسبات بین دو کشور خواند. ولی همزمان راکت باران و انداخت تویخانه سنگین به خاک افغانستان و کشتار مردم ما توسط ارتش پاکستان آغاز گردید که تا امروز ادامه دارد. اینهم نمودی از ماهیت و خصوصیت مناسبات بین طبقات ارتجاعی کشورهای مختلف است و حساب خلقها در همه کشورهای جهان از حساب طبقات ارتجاعی حاکم و امپریالیسم جداست. همین چگونگی رابط بین امپریالیستهای اشغالگر دولت مزدور کرسی در رأس طبقات حاکم فئودال و تاجران کمپرادور و همچنین رابطه بین دولت امریکا و ناتو با دولت پاکستان و جنگ امریکا و ناتو با طالبان و القاعده و حزب اسلامی و گروه حقانی و "همکاری" دولت پاکستان با امریکائیان در جنگ با تروریزم از یکطرف و کمکهای همه جانبه دولت پاکستان به گروه های طالبان و گلبدین حقتانی که به کشتار عساکر امریکائی و ناتو و ارتش دولت پوشالی کابل مشغول اند و جریان مذاکرات صلح بین آنها از طرف دیگر؛ و همچنین جنگ بین دولت پاکستان و طالبان های پاکستانی و همزمان حمایت دولت پاکستان از این گروه ها بطور عام؛ خود نمونه بارزی از خصمت تضاد بین دسته بندیهای ارتجاعی در سراسر جهان است. فقط این توده های خلق هستند که تضاد آشتی ناپذیری با طبقات حاکم ارتجاعی و امپریالیسم جهانی دارند و هیچگاهی با دشمنان طبقاتی و ملی شان آشتی نمی کنند و یا به صلح ناعادلانه و حقارت بارتن در نمی دهند. مردم افغانستان و نیروهای انقلابی و مترقی حل تضاد بین آنها و امپریالیستهای اشغالگر دولت متجاوز پاکستان و گروه های مزدوران و دولت مزدور کرسی را از طریق جنگ انقلابی و سرنگونی سلطه و حاکمیت طبقات ارتجاعی و دفع سلطه امپریالیستها و دولتهای ارتجاعی و تأسیس حاکمیت طبقات خلق می دانند. باین صورت مردم افغانستان نباید از دولت مزدور کرسی و حامیان امپریالیست آن کوچکترین انتظاری داشته باشند که از جان و ناموس و سرپناه و کشورشان در برابر متجاوزین پاکستانی و یا ایرانی دفاع خواهند کرد. کرسی با تمام تر فندها و شعبده بازیها و دستهای عوام فریبانه اش علیه امریکا و ناتو، یک نوکرفرومایه و سرسپرده امپریالیسم امریکاست که پیوندهای مزدوری اش را با دولت پاکستان خاصاً شبکه مخوف (ای اس آی) نیز حفظ کرده است. همین راکت باران خاک افغانستان و کشتار مردم ما در ولایات کنر، ننگرهار، خوست و پکتیا نیز در جریان معاملات بده و بستان بین ارتجاع حاکم پاکستان و اشغالگران امریکائی و ناتو و دولت مزدور کرسی صورت گرفته است. باین عبارت که هر دو طرف باهم دیگر از طریق نظامی فشار وارد می کنند تا بر سر میز مذاکره امتیاز بیشتر کسب نمایند. ولی در اینجا این مردم بلاکشیده افغانستان هستند که قربانی امیال و خواستههای پلید امپریالیستها و ارتجاع خارجی و مرتجعین داخلی می شوند.

دولت پاکستان با درک موقعیت کنونی دولت مزدور کرسی که در عمیق ترین سطح از بحران همه جانبه از زمان تشکیل اش قرار داشته و در آستانه ورشکستگی کامل و سقوط قرار گرفته و یکی از فاسدترین و رسوا ترین دولت های جهان است. در این دولت دست نشانده استعمار، ده ها سازمان استخباراتی کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی نفوذ و مداخله دارند و تضادهای درونی این دولت بیش از پیش شدت یافته و تضاد گروه های مخالف بیرون از دولت با کرسی نیز تشدید شده و بحران شدیدی اقتصاد و ایسته استعمار و شدیداً بیمارکشور را تهدید کرده و به ورشکستگی نزدیک شده است. از جانب دیگر دولت امریکا و ناتو با برضعفهای مالی ناشی از بحران عمیق سرمایه داری جهانی که دامنگیر آنها است و هنوز هم بر عرق آن افزوده می شود و نیز ضرباتی که در طی ده سال اخیر از ناحیه کشته شدن حدود هشت هزار از عساکر شان در افغانستان و عراق و معلولیت جسمی و روانی ده ها هزار دیگر آنها دیده اند، اقدام به خروج بخشی از قوای شان از افغانستان کرده اند. البته در اینجا باید تذکر دهیم: ده سال قبل دولت امریکا و شرکای ناتو اش بر اساس پلانیها و اهداف شوم و منافع غارتگرانه شان افغانستان و عراق را مورد تجاوز نظامی و اشغال استعماری قرار دادند؛ لیکن این بار نیز امپریالیستها در مورد تحمیل تسلط استعماری شان بر خلقها و ملل مظلوم و تصور حصول پیروزیهای سریع شان،

دچارخطای محاسبه شده اند. آنها براساس ایدئولوژی و تفکرات سیاسی ارتجاعی و امپریالیستی شان همیشه و در همه حالات توده های خلق و ملل دربند و مظلوم را دست کم گرفته اند. آنها تصویری کردند که با مائین جنگی عظیم و غول پیکرشان با یک تهاجم وحشیانه بر افغانستان و عراق به سرعت به اهداف شان دست خواهند یافت. جنبش مقاومت ملی عراق با آنکه از رهبری مترقی و انقلابی محروم بود لیکن توانست ضربات شدیدی بر اشغالگران امریکائی و انگلیسی وارد کند. در افغانستان گروه های طالبان و گلب الدین و حقانی بنابر گذشته سیاه و جنایتبارشان و مزدوری و سرسپردگی آنها با دولت و ارتجاع پاکستان و انجام عملیاتی انتحاری کور و کشتار مردم بی گناه، از حمایت مردم افغانستان بی بهره هستند؛ اما این گروه ها بنحوی از روحیه ضد استعماری و آزادی خواهانه مردم افغانستان که در طی ده سال باشکال مختلف علیه جنایات و تجاوزات قوهای اشغالگر و دولت مزدور دست به اعتراضات و مقاومت زده اند، بنفع شان استفاده کرده و در عرصه نظامی ضربات شدیدی بر نیروهای اشغالگر وارد کرده اند. بهر صورت نیروهای امریکائی و ناتو منحنیت نیروهای اشغالگر و استعمارگر که وحشیانه ترین جنایات را علیه مردم افغانستان خاصاً در ولایات شرقی و جنوب غربی کشور انجام داده اند و همچنین جنگیدن آنها در سرزمین بیگانه که مردم از آنها نفرت دارند؛ باین صورت گروه های طالبان و گلب الدین و حقانی (از عدم موجودیت یک جنبش انقلابی مردمی فعال در عرصه مبارزه نظامی علیه ارتشهای اشغالگر و دولت مزدور) بشکلی از این مساعدتهای جامعه بهره برده و ارتشهای اشغالگر را مورد حملات شان قرار داده اند و در طی ده سال ارتشهای اشغالگر حدود دوونیم هزار کشته داده اند با هزاران معلول جسمی و روانی. طبقات حاکم ارتجاعی (دولت) پاکستان از بدو تاسیس آن در سال 1947 میلادی هیچ وقت میانه خوبی با افغانستان نداشته و همیشه در صدد تضعیف و تخریب دولت و بیچاره کردن مردم افغانستان بوده است. علت آنهم حمایت و دفاع مردم افغانستان از حقوق حقه ملی و سیاسی و حق تعیین سرنوشت خلفهای پشتون و بلوچ در آنطرف خط نام نهاد "دیورند" بوده اند. در شرایط کنونی دولت پاکستان که چند هفته قبل پیمان استرا تژیک را مطابق خواسته هایش با دولت مزدور مرکزی بامضاء رساند، هدف دارد که در کنار تسلط استعماری امریکا و ناتو، نفوذ قابل ملاحظه ای نیز بر افغانستان داشته باشد. و دولت های امریکا و انگلستان نیز از این نیت شوم و نقشه و هدف خاینانه طبقات حاکم پاکستان نیز حمایت می کنند.

اوضاع و شرایط کنونی افغانستان تحت اشغال نظامی چند ده کشور امپریالیستی و ارتجاعی و تسلط استعماری قدرتهای بزرگ و کوچک امپریالیستی منجمله امریکا، انگلستان و دیگران بیش از پیش بحرانی است. همچنین بحران ناشی از فساد عمیق و همه جانبه و بحران ناشی از تشدید تضاد ارکان دولت با کرسی وحدت تضاد جناح های مختلف درون دولت؛ فروپاشی دولت پوشالی را در آینده نزدیک محتمل ساخته است. و در صورت تداوم این وضعیت بحرانی، حتی موجودیت کنونی نقشه جغرافیائی کشور نیز مورد تهدید قرار خواهد گرفت. آنهم که امپریالیستهای جنایتکار امریکائی و ناتو هر گاهی در مطبوعات شان از تغییر نقشه جغرافیائی این منطقه صحبتهای می نمایند و نیز عناصر ارتجاعی و خود فروخته از هواداران شورای نظار و گروه های همسخن آن "تجزیه افغانستان را بهترین گزینه برای صلح و ثبات" می دانند. این اوضاع همه جانبه بحرانی را در کشور قدرتهای امپریالیستی در طی بیش از سه دهه با تجاوز نظامی مستقیم و تسلط استعماری دوامدار و حاکم کردن جانی ترین و خاین ترین گروه های مزدورشان و باند های مافیائی گوناگون بر مردم ما و بر کشور بوجود آورده اند. از اینرو اینها سعی دارند تا اسناد و پیمانهای اسارت آور و غارتگرانه را توسط کرسی مزدور و کابینه اش از طریق دایر کردن "لویه جرگه" از خاین ترین و وطن فروش ترین عناصر از نمایندگان طبقات حاکم ارتجاعی فئودال و تاجران کمپرادور بنام مردم افغانستان به امضا برسانند و هر کدام از این قدرتهای جهانخوار امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی منطقه سهم خود را "قانونیت" بخشند.

مردم افغانستان خاصاً روشنفکران مردمی و آزادی خواهان و میهن دوستان واقعی باید از خواب سنگین وبی علائقی سیاسی وبی تفاوتی در برابر اوضاع و شرایط فاجعه بار مسلط بر کشور، بیدار شوند و بیش از این فریب تبلیغات اغواگرانه امپریالیستهای اشغالگر و دولت مزدور و عریبه کشیهای گروه های ارتجاعی رنگارنگ خاصاً باندهای ائتلاف شمال و خلقی پرچمی ها و سازانی ها را نخورند. اینها نیز از جمله گروه های جانی ، ضد مردم و میهن فروش هستند و کوچکترین حس مردم دوستی و میهن پرستی ندارند. اعمال خاینانه و جنایتکارانه این باندهای میهن فروش در طی سی و دو سال اخیر اینزابه اثبات رسانده است. این گروه های ارتجاعی و خاین نیز از نوکران سرسپرده امپریالیسم هستند. و مخالفتهای ظاهری آنها با دار و دسته کرسی بر سر سهم در قدرت دولتی است، نه بخاطر نجات مردم و میهن از این ورطه سقوط و نابودی.

با در نظر داشت تجاوزات مستقیم و غیر مستقیم دولت پاکستان در طی سی و دو سال اخیر به خاک کشور و سرنوشت سیاسی مردم ما و همچنین اهمیت موقعیت استراتژیک افغانستان در منطقه آسیای وسطی و جنوبی و رقابت بین هند و پاکستان بر سر نفوذ و تسلط بر افغانستان و از این طریق نفوذ در کشورهای آسیای میانه؛ طبقات ارتجاعی حاکم پاکستان چیزی کمتر از یک دولت طرفدارشان در کابل و یا قیومیت بر افغانستان را نمی پذیرند؛ زیرا در آن صورت است که می توانند در افغانستان و منطقه به اهداف غارتگرانه شان دست یابند و جلو نفوذ دولت هند بر افغانستان و منطقه را سد کنند و با طرح یک توطئه با همکاری دولت پوشالی تحت نفوذ شان در آینده، مسئله "خط دیورند" را طبق خواست و منافع شوم شان و برخلاف خواسته های برحق ملی و منافع سیاسی خلفهای پشتون و بلوچ آنطرف "خط دیورند" حل کنند. قراین نشان می دهد که دولت امریکا و انگلستان نیز از این اهداف پلید دولت پاکستان تا حدی حمایت می کنند و می خواهند نفوذ دولت پاکستان را منحنیت دستیار منطقه ای آنها در افغانستان تثبیت کنند. همچنین تدارک برای تدویر لویه جرگه از طرف کرسی از عناصر ارتجاعی، خاین و میهن فروش در جهت تصویب و امضای " پیمان استراتژیک" با دولت امریکا و ایجاد پایگاه های نظامی دایمی آن و "قانونیت دادن" اشغال نظامی و تسلط استعماری مستقیم دراز مدت امپریالیسم امریکا بر افغانستان و منطقه و تلاشهای دولت کرسی در جهت رسیدن به آنتی با گروه های جانی و ضد مردمی طالبان و گلب الدین و حقانی در جهت به بردگی کشیدن مردم افغانستان و حراج خاک کشور صورت می گیرد و دولت پاکستان نیز در این معامله طالب سهم دلخواه خود ش است. از جهت دیگر کرسی و جناح او در دولت تلاش دارند تا قبل از ختم دوره ریاست جمهوری پوشالی کرسی با گروه های طالبان، گلب الدین و حقانی به تفاهم و وحدت رسیده و آنها را وارد دولت پوشالی کنند تا وزنه جناح طبقات حاکم فئودال و کمپرادور ملیت پشتون در برابر طبقات ارتجاعی ملیتهای دیگر سنگین تر شود. همچنین تلاش دولت امریکا و انگلستان و سایر کشورهای امپریالیستی در جهت رسیدن مصالحه با طالبان و دیگران؛ اگر از یک جهت برای خاموش کردن آتش جنگ کنونی شان و رهائی از فشار اقتصادی و تلفات انسانی این جنگ هستند که در طی ده سال اخیر در افغانستان حدود پنج صد میلیارد دلار از طرف امریکا و ده ها میلیارد دلار از طرف کشورهای عضو ناتو به مصرف رسیده است با اضافه از دست دادن هزاران سرباز آنها؛ اما از جهتی هم ملاحظه می شود که قدرتهای امپریالیستی خاصاً امریکا و انگلستان و دولت پاکستان تسلط طبقات حاکم ارتجاعی ملیت پشتون بر دولت پوشالی را نسبت به مرتجعین و میهن فروشان دیگر ملیتها خاصاً رهبران ائتلاف شمال، ترجیح می دهند.

بعاد از کودتای ننگین ثور و قدرت رسیدن باندهای مزدور خلقی پرچمی در سال 1357 خورشیدی و اشغال استعماری کشور توسط سوسیال امپریالیسم شوروی در ماه جدی 1358 این فرصت برای دولت پاکستان میسر شد که مداخلات غیر مستقیم و مستقیم اشرا به افغانستان بطور گسترده انجام دهد و به کمک امپریالیسم امریکا و ارتجاع کشورهای اسلامی چندین حزب و تنظیم ارتجاعی اسلامی را سازمان داد و بر جنگ مقاومت حق طلبانه مردم افغانستان تحمیل کرد. بعد از آن با تشکیل دولت اسلامی توسط گروه های جهادی، ملیشه های مزدور و جناح های از خلقی پرچمی ها و بعد تعویض آن با امارت اسلامی طالبان عملاً افغانستان با حمایت امپریالیسم امریکا تحت قیومیت دولت پاکستان قرار گرفت. همین اکنون علاوه بر گروه های طالبان و گلب الدین و حقانی که برای تحقق اهداف شوم دولت پاکستان در منطقه می جنگند (در کنار عمال و جاسوسهای کشورهای امپریالیستی اشغالگر و غیر اشغالگر و دولتهای ارتجاعی منطقه خاصاً دولت ایران و هند)؛ ده هاتن از افراد وابسته و جاسوس دولت

پاکستان در مقامات بلند دولت کرزی و در تمام ارگانها از ملکی و نظامی وجود دارند. شبکه های جاسوسی و گماشته های بومی دولت های پاکستان و ایران در افغانستان گسترده هستند.

مردم افغانستان و روشنفکران مردمی و مترقی و روشن بینان جامعه بهیچ صورت نباید دچار این توهم شوند که دولت مزدورکرزی در برابر این تجاوزات دولت پاکستان از آنها دفاع خواهد کرد. فقط این خود مردم افغانستان هستند که از استقلال و آزادی و تمامیت ارضی و شرف و ناموس شان دفاع می کنند و در طول تاریخ وجودی این سرزمین توده های مردم با مبارزات و مقاومت های دلیرانه شان بار بار این را با ثبات رسانده اند. همچنین مردم نباید در این مورد فریب گفته های دروغین نیروهای ارتجاعی جانی و میهن فروش خلقی پرچمی و ائتلاف شمال را بخورند؛ زیرا اینها در طی سی و دو سال اخیر از هیچ گونه خیانت و جنایتی علیه مردم و میهن دریغ نکرده اند. مردم افغانستان باید بیدار شوند و بیش از این فریب تبلیغات دروغین و ترفندهای امپریالیستهای اشغالگر و دولت مزدورکرزی و مشاجرات لفظی بین کرزی و قدرتهای امپریالیستی اشغالگریا "اخطارهای" عوامفریبانه کرزی به ارتشهای اشغالگر و ریختن اشک تمساح برای کشته های مردم توسط ارتشهای اشغالگر را نخورند. مردم افغانستان خاصاً نسل روشنفکر مردمی آگاه و هوشیار باشند که کرزی خاین و میهن فروش در جهت تدارک و مقدمه چینی برای امضای یک "پیمان استراتژیک" (بخوان امضای سند حراج این خاک و منابع آن و بردگی و اسارت توده های مردم) با امپریالیسم امریکا و انگلیس است. این وجبیه ملی و میهنی مردم افغانستان و رسالت تاریخی تمام گروه ها و نیروهای انقلابی و مترقی و آزادی خواهان و میهن دوستان واقعی کشور است که با اعتراضات و مبارزات گسترده علیه کشتارها و جنایات و توطئه های خائنه و پلانیهای شوم اسارت اورامپریالیستهای اشغالگر و دولتهای ارتجاعی منطقه خاصاً پاکستان و ایران و ارتجاع بومی علیه کشور و مردم مقاومت کنند و برای نجات از این وضعیت اسارتی مبارزه انقلابی را سازمان دهند. ورنه سالهای طولانی تحت تسلط استعماری امپریالیستهای امریکائی و اروپائی و دولتهای ارتجاعی منطقه و مزدوران خونخوار بومی آنها خواهند ماند. لفاظیها و وراچیهای کرزی و دیگر اراکین دولت مزدور و قلم بدستان اجیر امپریالیسم و ارتجاع از طریق رسانه های متعدد امپریالیستی و ارتجاعی درباره "شورای عالی صلح" نامه ها و امضای "پیمان استراتژیک" با امریکا فقط بر حلقه های زنجیر اسارت و شدت فشار استبداد و ستم بر آنها خواهد افزود. امپریالیستهای استعمارگر و گروه های ارتجاعی رنگارنگ مزدوران آنها در طی سی و دو سال اخیر بر اثر جنایتها و خیانتهای شان چنان مردم ماراتحت فشار قرار داده اند که به رمق رسیده اند و اکنون برای لقمه نانی و ادامه حیات مشقتبار شان سرگردان هستند. از جانی هم امپریالیستهای امریکائی و اروپائی برای خاموش کردن مردم از مترسک بازگشت به دوران حاکمیت قرون وسطائی جهادی ها و طالبان و اشغال جنگ های داخلی استفاده می کنند؛ تا مردم در انتخاب بد از بدتر در برابر امضای پیمان خائنه دولت کرزی با امریکا عکس العمل منفی نشان ندهد و در برابر پرورس "صلح" با طالبان و گلب الدین و حقانی اعتراضی نکنند. در همه حالت در گذشته هم سوسیال امپریالیسم روس بود که باندهای جانی و آدمکش خلقی پرچمی را بر مردم ما حاکم کرد و بعد از آن همین امپریالیستهای امریکائی و اروپائی بودند که گروه های جانی جهادی و طالبان را بر مردم ما مسلط کردند و آن جنگهای ارتجاعی خانمانسوز نیز بر اثر توطئه ها و در جهت تحقق نقشه ها و اهداف غارتگرانه آنها در افغانستان و منطقه مشتعل گردید. اگر در آینده هم چنین جنگهای مشتعل شود باز هم عامل اصلی آن همین امپریالیستهای امریکائی و اروپائی و دولت ارتجاعی پاکستان و ایران و قدرتهای ارتجاعی دیگر در منطقه خواهند بود. زیرا عامل همه جنگهای تجاوزکارانه در جهان همین قدرتهای امپریالیستی اند و جنگهای ارتجاعی داخلی بین جناح های مختلف ارتجاعی را نیز کمک و هدایت می کنند. در همه حالت این فقط مردم افغانستان و روشنفکران انقلابی و مترقی هستند که می توانند خلق و کشور را از این ورطه ظلمتبار نجات داده و آنرا به استقلال و آزادی و ترقی و رفاه برسانند. مردم ما و روشنفکران مردمی باید بدانند که جز اندیشه و سیاست انقلابی مردمی در رهبری مبارزات و مقاومت های توده های مردم، دیگر هیچ راهی برای نجات مردم و میهن از تسلط امپریالیستها و دولت مزدوران آنها و دولتهای ارتجاعی منطقه و گروه های ارتجاعی و مزدوران رنگارنگ آنها وجود ندارد. همه ادعا های گروه های بورژوا رفورمیست در داخل و خارج کشور که اندیشه ها و افکار و نقشه ها و اهداف ارتجاعی شان را با کلمات و مقوله های مترقی می آریند و مدعی اند که از طریق "مبارزات مسالمت" آمیز و به شیوه های "متمدنانه" (که مورد پسند امپریالیستها و مترجعین نیز هست) می توانند کشور و مردم را از تسلط امپریالیستهای خونخوار و گروه های وحشی و جانی نجات دهند، پوچ و بی معناست. نجات مردم و میهن از این ورطه هولناک فقط از طریق مبارزات انقلابی خود توده های مردم تحت رهبری یک حزب و واقعاً انقلابی طبقه کارگر میسر است؛ حزبی که بتواند جبهه متحد ملی مترقی و وسیع را از تمام نیروها و گروه ها و افراد انقلابی و مترقی و آزادیخواه تشکیل داده و هسته های ارتش انقلابی خلق را سازمان دهد و از این طریق مبارزات ملی و مترقی توده های خلق را علیه امپریالیستهای اشغالگر و دولت مزدورانها رهبری کند. این اساسی ترین، علمی و اصولی ترین و کاراترین راه و شیوه در جهت حل تضادهای پیچیده و گوناگون در افغانستان و منطقه بوده و یگانه الگویی انقلابی و نجاتبخش برای خلقهای افغانستان و خلقهای منطقه از شر امپریالیستهای غارتگر و دولتهای ارتجاعی مزدورانها است.

مرگ بر امپریالیستهای اشغالگر امریکائی و ناتو و دولت مزدورکرزی!

مرگ بر دولت ارتجاعی پاکستان و نوکران و اجیران بومی آن!

6 جولای 2011

(وبسایت "پیام آزادی")